

بررسی تطبیقی حقوق بزه‌دیدگان در مراحل تعقیب و تحقیق در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با دیوان کیفری بین‌المللی

محسن لعل‌علیزاده*

(تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۷ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۱)

چکیده:

بسیاری از نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با پیروی از رهیافت‌های نوین عدالت کیفری نظیر عدالت ترمیمی، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، در قلمروی حقوق و حمایت‌های بایسته از بزه‌دیدگان رخ داده است. پیش‌تر این رویکرد را در اساسنامه و آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی - حاصل همکاری و تعامل آرای نمایندگان‌های حقوقی اکثر کشورها؛ به‌ویژه دو نظام بزرگ حقوقی کامن‌لا و رومی و ژرمنی - شاهد بوده‌ایم. بررسی تطبیقی، نمایانگر این است که قانون‌گذار ایرانی با وجود شناسایی حق‌های نوین برای بزه‌دیده؛ هنوز هم با نارسایی‌هایی مانند عدم شناسایی صریح اشخاص حقوقی به‌عنوان بزه‌دیده، نادیده گرفتن حق داشتن وکیل تسخیری برای بزه‌دیده در مرحله تحقیقات، بهره‌مند نشدن بزه‌دیده از مراقبت و حمایت پزشکی و روانی مناسب، مدنظر قرار ندادن ابلاغات بسته و با لفاف به‌منظور مکتوم ماندن هویت و اسرار بزه‌دیدگان و فقدان ضمانت اجرای بایسته در قبال نقض حقوق پیش‌بینی شده برای آنان، روبرو است، اما در مقابل؛ بزرگ‌ترین چالش پیش‌روی دیوان، عدم انسجام و تنسيق مشارکت فعال بزه‌دیدگان در مراحل تعقیب و تحقیق و برخوردار نبودن آنان از ارشادات مناسب حقوقی است.

واژگان کلیدی: بزه‌دیده؛ حقوق بزه‌دیدگان؛ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲؛ دیوان کیفری بین‌المللی؛ تعقیب و تحقیق.

* استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران:

۱. مقدمه؛

تا میانه‌ی سده‌ی بیستم؛ بزه‌دیدگان نقش تعیین‌کننده و درخور توجهی نداشتند و به حق می‌توان آنان را «اشخاص فراموش‌شده» نامید. این کم‌توجهی به حدی بوده است که حتی در برخی نظام‌های ملی، به بزه‌دیده به‌عنوان یکی از گناه‌کاران رویداد جنایی نگریسته شده است^۱ تا یک کنشگر رخداد جنایی (بوریکان، ۱۳۸۱: ۲۰۴-۱۸۵). از نگاه برخی اندیشمندان نظیر کانت، از آنجا که جرم را تجاوز از قانون می‌دانند؛ نه تجاوز به حق‌های دیگران لذا بزه‌دیدگان جایگاهی در عدالت کیفری ندارند (شیری، ۱۳۸۵: ۲۳۰). علی‌رغم این پیشینه‌ی نظری و عملی، در حال حاضر توجه به کنشگر دیگر رخداد جنایی؛ یعنی بزه‌دیده، به رویکرد غالب در عدالت کیفری بدل شده است.

در اساسنامه‌ی دادگاه نورمبرگ، کلمه‌ی «بزه‌دیده» به چشم نمی‌خورد و به تبع برای حمایت از بزه‌دیدگان، تدبیری اتخاذ نشده است (گرکاو، ۱۳۹۲: ۴۰-۳۴). در اساسنامه‌ی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی اختصاصی نسل دوم (یوگسلاوی سابق و رواندا) نقش بزه‌دیدگان، حداقلی بوده و حقوق آنان محدود است به حفاظت فیزیکی و استرداد آن دسته از اموال که در نتیجه‌ی ارتکاب جرم از تصرف ایشان خارج شده است (Mouthaan, 2013: 623). در واقع، در رویه‌ی دادرسی‌های بین‌المللی قبل از تشکیل دیوان، بزه‌دیده؛ تنها به‌عنوان گواه^۲، واجد قابلیت مداخله و ایفای نقش در دادرسی بود. علی‌رغم مقررات اشاره شده و عملکرد این دادگاه‌ها، اولین رئیس دادگاه یوگسلاوی پیشین، بیان می‌دارد: «یگانه جایگزین متمدنانه‌ی میل به انتقام،

۱. در یکی از رویکردها به بزه‌دیده، با نگرشی منفی به جایگاه او در فرایند مجرمانه بزه‌دیده‌شناسی روبرو هستیم که بر پایه یافته‌ها و ملاک‌های علمی و جرم‌شناسی، نقش بزه‌دیده را در تکوین جرم و تعامل با بزهکار در چنین رویدادی مورد بررسی قرار می‌دهد که از آن به بزه‌دیده‌شناسی علمی یا اولیه یاد می‌شود. از این منظر، یک بزه‌دیده ممکن است در وقوع جرم به‌عنوان عامل محرک و شخصی که به‌طور ضمنی در وقوع جرم رضایت داشته، همکاری کرده، توطئه نموده باشد و یا با رفتار و کردار خود، زمینه تحریک مرتکب به ارتکاب جرم را فراهم آورد.

2. Victim as a Witness

اجرای عدالت ترمیمی است» (Frindlay, McLean: 2007: 457-480). در دیوان کیفری بین‌المللی [از این پس به اختصار، دیوان] بزه‌دیدگان، ضمن مراحل رسیدگی حق دارند که دیدگاه‌ها و نگرانی‌هایشان را به قضات اعلام نمایند. از این حق به «مشارکت» تعبیر شده است که عمدتاً از طریق نمایندگان حقوقی بزه‌دیدگان، اعمال می‌شود. در واقع، اساسنامه‌ی رم^۱، به عنوان سند تأسیس دیوان، نسبت به دادگاه‌های بین‌المللی پیشین، از طریق شناسایی، مشارکت، محافظت و اقدامات حمایتی، به بزه‌دیده نقش بسیار بیشتری در آیین رسیدگی به جرائم داده است (86: Moffett, 2014). اهمیت موقعیت بزه‌دیدگان در دیدگاه تدوین کنندگان مقررات دیوان، به آن پایه است که چهار بخش خاص برای حمایت از بزه‌دیدگان، شامل: بخش مشارکت بزه‌دیدگان و جبران خسارت (ترمیم)^۲، واحد بزه‌دیدگان و شهود^۳، دفتر مشاوره‌ی عمومی ویژه‌ی بزه‌دیدگان^۴ و سرانجام صندوق تأمین بزه‌دیدگان^۵ در نظر گرفته شده است. این پژوهش بر آن است تا حقوق شکلی پس‌اجنایی بزه‌دیدگان در مراحل تعقیب و تحقیق را در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲^۶ (از این پس به اختصار، ق.آ.د.ک) و دیوان، مورد بررسی قرار دهد. از رهگذر این بررسی مقایسه‌ای، کوشش شده است تا ضمن اشاره به چالش‌های دیوان در زمینه حق‌های بزه‌دیده، به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که مصوبه‌ی قانون‌گذار ایرانی، درباره‌ی این حقوق -به تفکیک در مراحل تعقیب و تحقیق- با چه کاستی‌ها و نارسایی‌هایی روبه‌رو است. در این

۱. این اساسنامه که سند تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی محسوب می‌شود؛ در ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ در شهر رم با ۱۳۸ ماده، با تأیید نمایندگان ۱۲۰ کشور به تصویب رسید و در اول جولای ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا گردید.

2. Victims participation and reparation section (VPRS)
3. Victims and witnesses unit (VWU)
4. The office of public counsel for victims (OPCV)
5. Trust fund for victims.

۶. قانون آیین دادرسی کیفری جدید که از ابتدای تیرماه ۱۳۹۴ اجرایی شده است شامل دو قسمت مجزا است. قسمت اول آن که اختصاص به دادگاه‌های عمومی کیفری و انقلاب دارد مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ است و قسمت دوم که دربردارنده آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح، دادرسی الکترونیکی، جرائم رایانه‌ای و جرائم اشخاص حقوقی است، در تاریخ ۱۳۹۳/۸/۷ به تصویب رسیده است.

پژوهه، ابتدا تعریف و مصادیق بزه‌دیده در دیوان و ق.آ.د.ک مورد مطالعه‌ی مقایسه‌ای قرار می‌گیرد و در ادامه، به ترتیب به بررسی تطبیقی حق‌های بزه‌دیده در مرحله‌ی تعقیب و تحقیق پرداخته خواهد شد.

۲. تعریف بزه‌دیده؛

ماده ۸۵ آیین دادرسی و ادله دیوان، طی دو بند زیر، بزه‌دیدگان را تعریف نموده است: الف) بزه‌دیدگان به معنای اشخاص حقیقی هستند که در نتیجه ارتکاب هر جرمی که در صلاحیت دیوان قرار دارد، دچار آسیب شده‌اند. ب) بزه‌دیدگان ممکن است، شامل سازمان‌ها یا نهادهایی شوند که اموالشان اختصاص به مذهب، آموزش، هنر یا علم یا اهداف خیریه یافته و به آثار تاریخی، بیمارستان‌ها و دیگران اماکن و اشیاء آن‌ها که برای اهداف بشردوستانه می‌باشد، آسیب مستقیم وارد شده است.^۱

در خصوص قاعده‌ی ۸۵ (ب)، دادسرای دیوان، مشارکت اشخاص حقوقی را طبق ضوابط و معیارها مورد حمایت قرار داده و معتقد است که نماینده‌ی سازمان‌ها و نهادهای مربوطه، اختیار کافی برای مشارکت را دارا هستند؛ اما تفاوت نگاه دیوان نسبت به بزه‌دیدگان حقیقی با حقوقی ذکر شده، در این است که به‌طور ضمنی؛ ایراد آسیب غیرمستقیم را فقط در خصوص اشخاص حقیقی پذیرفته است.

در ماده ۱۰ ق.آ.د.ک آمده است: «بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، «شاکی» و هرگاه جبران ضرر و زیان وارد شده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می‌شود». نکات مثبت ماده‌ی مزبور این است که نخست، برخلاف قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (ازاین‌پس ق.آ.د.ک سابق)، تعریفی از بزه‌دیده صورت گرفته است و دوم اینکه، اشکال بارز عدم تفکیک

1. rules of procedure and evidence, second edition, 2013

شاکی از مدعی خصوصی که انتقادات بسیاری متوجه آن قانون نموده بود را مرتفع نموده است.^۱ علاوه بر این، تدوین کنندگان ق.آ.د.ک ۹۲، با به کارگیری عبارت مطلق «شخصی»؛ اشخاص حقوقی را نیز به عنوان بزه‌دیده مورد شناسایی قرار داده‌اند.

در ماده ۶۶ ق.آ.د.ک، قانون‌گذار دست به نوآوری جالب توجهی زده است، بدین وصف که برای برخی «سازمان‌های مردم‌نهاد»^۲ حق اعلام جرم، شرکت در تمام مراحل دادرسی؛ البته صرفاً به منظور اقامه‌ی دلیل و سرانجام حق اعتراض نسبت به آرای مراجع قضایی به رسمیت شناخته بود. در اصلاحات این ماده در ۹۴/۳/۲۴؛ اگرچه قانون‌گذار با حذف قید «جهت اقامه‌ی دلیل» - به عنوان تنها موجب مشارکت سازمان‌های اشاره شده در دادرسی‌ها- ظاهراً جهت و منظور مشارکت این سازمان‌ها را در مراحل دادرسی توسعه بخشیده است، اما در مقابل حق اعتراض نسبت به آراء - که قبلاً به آن تصریح شده بود- را از متن ماده حذف کرده است. این در حقیقت پذیرش «مدعیان خصوصی» در کنار مدعی‌العموم یا دادستان است که در برخی نظام‌های حقوقی به تأسی از مدل سیاست جنایی مشارکتی، آموزه‌های عدالت ترمیمی و بزه‌دیده‌شناسی حمایتی مورد پذیرش واقع شده است. اگرچه قائل شدن چنین نقش و موقعیتی برای نهادهای مزبور محدود به حمایت از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی در راستای تدابیر حمایتی^۳ و حمایت از محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حقوق شهروندی می‌شود، اما به هر حال باز هم نمی‌تواند گویای به رسمیت شناختن آنان و به طور کل اشخاص حقوقی، به عنوان بزه‌دیده با تمام حقوق و حمایت‌های لازم محسوب گردد.

۱. ماده ۹ ق.آ.د.ک مقرر می‌دارد: «شخصی که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان شده و با حقی از قبیل قصاص و یا قذف پیدا کرده و آن را مطالبه می‌کند مدعی خصوصی یا شاکی نامیده می‌شود...»

2. NGO

۳. بزه‌دیده‌شناسی حمایتی به بررسی و تبیین بزه‌دیدگی اشخاص آسیب‌پذیر، گونه‌های آسیب‌پذیری و جهات آن، چگونگی حمایت از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر (حمایت کیفری و پیشگیرانه) در سیاست جنایی و جایگاه آنان در نظام عدالت کیفری می‌پردازد.

به رسمیت شناخته شدن «ضرر و زیان‌های معنوی» در ماده ۱۴ اگرچه در حقوق ایران نوآوری محسوب نمی‌شود، اما از دیگر نکات مثبت ق.آ.د.ک به شمار می‌رود. شایان ذکر است که ضرر و زیان معنوی و منافع ممکن‌الحصول^۱ در حقوق ایران فراز و نشیب‌های زیادی را از سر گذرانیده است. در این باره، قوانین دربردارنده‌ی گزاره‌های عام و تفسیر برداری است که سوابق رویه‌ی قضایی و دیدگاه‌های شورای نگهبان نمایانگر این موضوع است. به‌طور مثال این شورا در ایرادی که به تبصره ۱ ماده ۳۰ قانون مطبوعات ۱۳۶۴ گرفته بود، تصریح کرده است که: «طرح دعوی خسارت معنوی مجاز و دادگاه مکلف به رسیدگی است، اما تقویم خسارات معنوی به مال و امر مادی مغایر با موازین شرعی است»، شورا این نظر را در ایراد به ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ نیز مطرح کرد و به همین جهت بود که در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ نیز خسارات معنوی از فهرست خسارت‌های قابل مطالبه حذف شد. در پرونده‌ی هموفیلی‌ها اگرچه به‌عنوان یک رویه‌ی تقریباً استثنایی، شاهد تقویم ضرر و زیان معنوی به پول- آن چنانکه در اغلب دکترین حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته است- بودیم، اما متأسفانه رویه قضایی در تداوم و تعمیم چنین رویه‌هایی مقاومت می‌نماید.^۲

ق.آ.د.ک بزه‌دیده غیرمستقیم را به‌عنوان بزه‌دیده مورد شناسایی قرار نداده است، لیکن در مقابل، دیوان در عمل پذیرفته است که اشخاص به سبب خسارات غیرمستقیمی که از طریق مرگ

۱. چنانچه، «ممكن الحصول» را در مقابل «ممتنع الحصول» بدانیم، دست به تفسیر گسترده‌ای زده‌ایم، لذا بهتر است منافی را ممكن الحصول در نظر بگیریم که در زمان وقوع جرم منشأ حقوقی داشته و مدعی خصوصی از آن محروم شده است. ر.ک.به: محمود آخوندی، شناسای آیین دادرسی کیفری؛ دفتر اول: کلیات و دعاوی ناشی از جرم، تهران، دور اندیشان، ۱۳۹۳.

۲. برای آگاهی بیشتر از آراء و رویه‌های اشاره شده، ر. ک. به: سید ابوالقاسم نقیعی، خسارت معنوی در حقوق اسلام، ایران و نظام‌های حقوقی معاصر، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶، صص ۲۷۹ تا ۲۸۱ و معاونت آموزش قوه قضاییه، رویه قضایی ایران در ارتباط با دادگاه‌های عمومی جزایی، ج ۱۳، تهران، جنگل، ۱۳۸۷، صص ۵۷ و ۵۸.

اعضای خانواده‌ی خود متحمل شده‌اند، بزه‌دیده محسوب می‌گردند.^۱ در کتابچه بزه‌دیدگان نیز این افراد به‌عنوان بزه‌دیده مورد پذیرش قرار گرفته‌اند.^۲

۳. حقوق بزه‌دیدگان در مرحله‌ی تعقیب؛

۳-۱. حق شناسایی و تکریم بزه‌دیده؛

تقدم حقوق مدعی خصوصی یا زیان‌دیده از جرم بر حقوق عمومی، حق شنیده شدن؛ بدین معنا که بزه‌دیده باید این امکان را داشته باشد که صدای خود را به گوش دیگران برساند و به‌طور کل راهبردهای توانمندسازی بزه‌دیده^۳ که جملگی از حیث روان‌شناختی موجب التیام نسبی بزه‌دیده می‌گردد، لازمه‌ی تحقق عدالت کیفری کارآمد است. رسیدگی به شکایت بزه‌دیده که جرم و آثار آن (بزه‌دیدگی اولیه یا اصلی) را تجربه کرده است نیز نباید زمینه‌ی رفتارهای تحقیرآمیز نسبت به او را فراهم کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۵۰). در همین راستا مشارکت و حضور بزه‌دیده؛ به‌ویژه در آغازگری دعاوی کیفری، نباید تصنعی و تشریفاتی، بلکه واقعی و فعال باشد. نباید منزلت وی در حد یک شاهد یا مطلع صرف تنزل یابد. علاوه بر این، بزه‌دیده نباید در صف تماشاگران بنشیند و نمایشی تراژیک را نظاره کند که بازیگران آن دادستان، متهم، وکیل، قاضی و ... هستند. در نهایت این که توافقی بودن دادرسی در مراجع قضایی و دادرسی باید اجازه دهد تا بزه‌دیده مکنونات قلبی خود پس از بزه‌دیدگی و آثار جانبی آن را بیان نماید (شناسایی موقعیت بزه‌دیدگان).

1. PTC I, Situation in the Democratic Republic of the Congo, Decision on the applications for participation in the proceedings of VPRS 1, VPRS 2, VPRS 3, VPRS 4, VPRS 5 and VPRS 6 of 17 January 2006, Case No. ICC-01/04, para. 89.

۲. این کتابچه با عنوان «Victims Before The International Criminal Court»، به‌منظور آشنایی بزه‌دیدگان با

دیوان و حق‌های بزه‌دیده در پایگاه رسمی دیوان به نشانی زیر منتشر شده است:

www.icc-cpi.int/en_menus/icc/.../participation/Pages/booklet.aspx. 18 Jun 2015.

3. Empowerment strategy

ماده ۱۳ اساسنامه‌ی دیوان سه طریق را برای شروع به تعقیب در نظر گرفته است، نخست این که یک دولت وضعیتی را که در آن یک یا چند جرم در صلاحیت دیوان در آن رخ داده به دادستان ارجاع نماید؛ دوم، شورای امنیت چنین وضعیتی را حتی در صورتی که در قلمرو کشورهای غیر عضو رخ دهد به دادستان ارجاع دهد و سوم این که دادستان رأساً و به موجب ماده ۱۵ اساسنامه، شروع به تعقیب و تحقیق نماید. بر این اساس، بزه دیده در دیوان نه به طور مستقل و نه به نحو مستقیم، نقشی در شروع یک فرایند کیفری ندارد و برخلاف عمده‌ی نظام‌های کیفری ملی، صرف شکایت بزه دیده، دادستان دیوان را موظف به آغاز تعقیب و تحقیق نمی‌نماید. دیوان در جریان بررسی صلاحیت^۱ و قابلیت پذیرش^۲ به بزه دیدگان اجازه داده است که نظرات خود را تسلیم نمایند.^۳ علاوه بر این، دیوان خود را پایبند به آموزش کارکنان به منظور حفظ تمامیت و شأن بزه دیدگان؛ به ویژه در موضوعات مربوط به جنسیت و حساسیت‌های فرهنگی آنان می‌داند.^۴ در ماده ۶۴ ق.آ.د.ک، جهات قانونی شروع به تعقیب را شکایت شاکی یا مدعی خصوصی، اعلام و اخبار ضابطان دادگستری یا مقامات رسمی یا اشخاص موثق، وقوع جرم مشهود در برابر دادستان یا بازپرس، اظهار و اقرار متهم و یا اطلاع دادستان از هر طریق قانونی معرفی کرده است. با توجه به اشاره به شکایت بزه دیده در اولین بند این ماده بدیهی است که در حقوق کیفری ایران و به طور کلی در حقوق کیفری ملی کشورهای متفاوت، شایع‌ترین و اصلی‌ترین جهت آغاز پیگرد، شکایت بزه دیده است.

1. jurisdiction
2. admissibility

۳. ماده ۱۹ (۳) اساسنامه

۴. آیین دادرسی و ادله. ماده ۱۸ (d)

۳-۲. حق دسترسی فوری و آسان به نظام عدالت کیفری؛

یکی از جهات عمده‌ی اهمیت موقعیت و نقش بزه‌دیده این است که در بسیاری از پرونده‌ها، این اطلاعات بزه‌دیدگان بوده که منجر به شروع تحقیقات از سوی دادستان شده است (Cohen, 2007: 358). دیوان متعهد به ارائه‌ی مساعدت‌های مناسب اداری و فنی قابل‌دسترس به بزه‌دیدگان است^۱ و در تعیین محدوده‌های زمانی فرایند رسیدگی به «ضرورت تسهیل عدالت و تسریع رسیدگی» و به‌طور خاص مدنظر قرار دادن «حقوق و کیل مدافع و بزه‌دیدگان» توجه دارد.^۲ بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی، لطمه به حق دسترسی و مشارکت بزه‌دیده در رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی، از زمره‌ی جهات نقض شدید حقوق بشر محسوب می‌گردد (Ochoa, 2013: 142).

به‌موجب مواد ۱۲ و ۶۴ ق.آ.د.ک درخواست تعقیب متهم از جهت حیثیت خصوصی با بزه‌دیده است و اولین جهت از جهات قانونی شروع به تعقیب، شکایت بزه‌دیده است. طبق ماده ۱۷۵ ق.آ.د.ک، استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی، از قبیل پیام‌نگار (ایمیل)، ارتباط تصویری از راه دور، نامبر و تلفن، برای طرح شکایت یا دعوا بلامانع است. دیوان صلاحیت شخصی منفی یا صلاحیت بر مبنای تابعیت بزه‌دیده^۳ را نپذیرفته است؛ حال آنکه تشکیل پرونده‌های کیفری بر اساس تابعیت بزه‌دیده در بسیاری از کشورها سابقه دیرینه دارد. قانون‌گذار ایران در ماده ۸ قانون مجازات اسلامی و در بخش آیین دادرسی جرایم رایانه‌ای ق.آ.د.ک، در صدر ماده ۶۶۰ و نیز در بند «ت» همین ماده، با پذیرش این نوع صلاحیت، خلأ تقنینی در این زمینه را مرتفع نموده

۱. آیین دادرسی و ادله. ماده ۱۸(b)

۲. آیین دادرسی و ادله. ماده ۱۰۱(۱)

۳. passive personality principle این اصل با عناوین «اصل انفعالی تابعیت مجنی‌علیه»، «اصل صلاحیت شخصی انفعالی» و «اصل صلاحیت شخصی منفی» نیز به کار رفته است. جهت مطالعه بیشتر رک. به: محمدجواد شریعت باقری، حقوق کیفری بین‌المللی، تهران، انتشارات جنگل، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۰، صص ۱۰۸ و ۱۴۵.

است. عواملی مانند ضعف آگاهی‌ها، مشکلات ترجمه‌ای و وسعت جغرافیایی بسیار زیاد حوزه‌ی عمل، موجب دشواری و کندی دسترسی بزه‌دیده به نظام دادرسی‌های بین‌المللی می‌شود.

۳-۳. حق آگاهی یافتن از حقوق

اصل اطلاع‌رسانی به بزه‌دیده شامل آگاهی از جریان دادرسی و آگاهی یافتن از حقوق است (باقری نژاد، ۱۳۹۴: ۳۴۱). اگرچه بهره‌مندی از این حق محدود به این مرحله نبوده و تمام مراحل دادرسی را شامل می‌شود، اما از آنجا که شروع دادرسی‌ها با تعقیب آغاز می‌شود و امر «آگاه‌سازی» از این مرحله شروع شده؛ لذا اهمیت این حق در شروع و جریان دعاوی کیفری اثر و نمود بیشتری دارد. در دیوان این آگاه‌سازی از تکالیف واحد بزه‌دیدگان و شهود است.^۱ در ماده ۶ ق.آ.د.ک آمده است: «متهم، بزه‌دیده و شاهد باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود»، اما در خصوص این که توسط چه نهادی و به چه صورتی این مسئله باید مراعات شود، چندان ذکری به میان نیامده است.

۳-۴. حق مکتوم ماندن هویت و نشانی بزه‌دیده؛

از جمله مسئولیت‌های واحد بزه‌دیدگان دیوان، تضمین حفظ رازداری از سوی تمام کارکنان، در کلیه مراحل است.^۲ نظم و تقسیم‌کاری که دیوان از طریق ایجاد واحدهای فرعی و مستقل با مسئولیت‌های مجزا در این زمینه دارد، موجب تأمین بهتر حقوق بزه‌دیدگان و نیز جلب اعتماد آنان می‌شود. در رویه‌ی قضایی دیوان پذیرفته شده است که افشای هویت بزه‌دیده‌ی مشارکت‌کننده، برای طرفین دعوا ضرورت ندارد و قضات با توجه به شرایط هر دعوا، اقدامات لازم را برای عدم ایجاد لطمه به حقوق متهم اتخاذ خواهند کرد (رضوی فرد؛ فقیه محمدی، ۱۳۹۰: ۲۲۸). در ماده ۴۰ ق.آ.د.ک، افشاء اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده توسط

۱. آیین دادرسی و ادله. ماده ۱۶(۲)(a)

۲. آیین دادرسی و ادله. ماده ۱۸(a)

ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است.^۱ طبق ماده ۱۰۱ ق.آ.د.ک این حق در مرحله تحقیقات مقدماتی و سایر مراحل رسیدگی نیز به رسمیت شناخته شده است.

۳-۵. حق بزه‌دیده در تداوم پیگرد یا پایداری دعوا؛

۳-۵-۱. نقش در موقوفی تعقیب؛

تصمیم شکلی مقام قضایی مبنی بر توقف تعقیب آن‌هم به دلیل وجود جهات سقوط دعوی را قرار موقوفی تعقیب کیفری می‌نامند (آخوندی، ۱۳۷۲: ۱۳۷). این قرار که به کنارگذاری دعوی کیفری می‌انجامد برای نخستین بار در قانون اصول محاکمات جزایی ۱۲۹۰ پیش‌بینی شده بود (نیازپور، ۱۳۹۱: ۳۵۶). به موجب بند ب ماده ۱۳ ق.آ.د.ک، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت از موارد موقوفی تعقیب شناخته شده است. بدیهی است، شدت جرائم در صلاحیت دیوان؛ این جرائم را از زمره‌ی جرائم قابل گذشت خارج ساخته است؛ بنابراین گذشت شاکی نمی‌تواند موقوف کننده‌ی تعقیب قلمداد گردد.

۳-۵-۲. نقش در ترک تعقیب؛

در پرتوی نهاد ترک تعقیب، مقام قضایی می‌تواند پس از درخواست بزه‌دیده و احراز سایر شرایط تعقیب دعوی کیفری را ترک کند (خالقی، ۱۳۸۹: ۲۴۷). به موجب ماده ۷۹ ق.آ.د.ک، در جرایم قابل گذشت، شاکی تا قبل از صدور کیفرخواست می‌تواند درخواست ترک تعقیب نماید. تغییری که از سوی تدوین کنندگان ق.آ.د.ک نسبت به ق.آ.د.ک سابق صورت گرفته است، این است که تعقیب مجدد متهم از ناحیه شاکی صرفاً برای یک‌بار تا یک سال از صدور قرار ترک تعقیب

۱. بهتر بود که علاوه بر تعیین قانون، تجویز بازپرس نیز در متن این ماده اضافه می‌شد. ر.ک به: خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران، شهر دانش، ۱۳۹۴، ص ۵۹.

امکان پذیر است،^۱ بدیهی است محدودیت‌های ذکر شده با توجه به اهمیت فصل خصومت و قلع ماده‌ی نزاع و زدایش هراس، تشویش و اضطراب حاصله از این اهرم فشار بر متهم، در مجموع یک نوآوری مثبت محسوب می‌گردد. در مجموع صدور قرار ترک تعقیب، به شیوه‌ی اشاره شده در قانون، یک فرایند ستودنی نیست و ایرادهای فراوانی بر آن وارد است؛ با وجود این، با محدود کردن دفعات تعقیب مجدد و انحصار آن به مدت یک سال تا حدی ضعف قوانین گذشته جبران شده است (آخوندی، ۱۳۹۴: ۱۶۲). به دلیل اشاره شده در بند پیشین، امکان ترک تعقیب برای بزه دیده در دیوان وجود ندارد.

۳-۵-۳. نقش در بایگانی کردن پرونده؛

بایگانی کردن پرونده قضایی- کیفری یکی از شیوه‌های کنار گذار تعقیب دعوای کیفری در مرحله پیش دادرسی است که به موجب آن دادستان گاه رأساً و گاه پس از توافق با متهم دستور ضبط این پرونده در قسمت بایگانی دادسرا را صادر می‌کند (نیازپور، ۱۳۹۱: ۳۶۶ و ۳۶۷). طبق ماده ۸۰ ق.آ.د.ک، در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد، در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری، مقام قضایی می‌تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی، فقط یک بار از تعقیب متهم خودداری و قرار بایگانی کردن پرونده را صادر کند.

۱. قرار ترک تعقیب از زمره جایگزین‌های تعقیب کیفری نظیر قرار بایگانی کردن پرونده، تعلیق تعقیب و میانجی‌گری، محسوب می‌شود که با هدف کاهش پرونده‌ها مشتمل بر بزه کاری‌های خرد در محاکم پیش‌بینی شده است. مرجع صدور این قرار دادستان است و حق اعتراض به آن پیش‌بینی نشده است.

قرار مزبور از دیگر نوآوری‌های ق.آ.د.ک است که در جهت توسعه نقش و موقعیت بزه‌دیدگان صورت گرفته است.^۱ همان‌گونه که بزه‌دیده در دیوان در ارجاع موضوع به دیوان تعیین‌کننده نیست لذا به طریق اولی، نقشی نیز در بایگانی کردن پرونده ندارد.

۳-۵-۴. نقش در تعلیق تعقیب؛

تعلیق دعوی کیفری، شیوه‌ای است که به‌موجب آن دادستان می‌تواند پس از احراز شرایط ویژه‌ای پیگرد دعوی کیفری را برای مدت معینی معلق سازد تا در صورت اجرای تعهدها از سوی بزه‌کار، تعقیب وی برای همیشه کنار گذاشته می‌شود (آخوندی، ۱۳۸۷: ۸۱). مطابق ماده ۸۱ ق.آ.د.ک، در پاره‌ای جرایم، گذشت شاکی یا موافقت او می‌تواند از موجبات تعلیق تعقیب محسوب گردد. دادستان می‌تواند متهم را مکلف به اجرای دستورهای نظیر ارائه خدمات به بزه‌دیده در جهت رفع یا کاهش آثار زیان‌بار مادی یا معنوی ناشی از جرم با رضایت بزه‌دیده و عدم ارتباط و ملاقات با بزه‌دیده برای مدت معین نماید. قرار تعلیق تعقیب به دلیل ایجاد مانع بر سر راه رسیدن شاکی به نتیجه مورد نظر، می‌تواند به زیان او باشد؛ بنابراین این قرار از سوی وی قابل اعتراض است، اما ماهیت و شدت جرائم در صلاحیت دیوان به گونه‌ای نیست که قابلیت ایفای نقش برای بزه‌دیدگان در تعلیق تعقیب را فراهم سازد. با وجود این، تنها شورای امنیت طبق ماده ۱۶ اساسنامه دیوان، تحت شرایطی می‌تواند تعقیب و تحقیق را معلق نماید. بی‌تردید، اساس این تعلیق یک انگیزه‌ی سیاسی است (غلامی؛ رستمی غازانی، ۱۳۹۲: ۴۵).

۱. از قید «چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد» استنباط می‌شود که صدور این قرار، فقط در جرائم غیرقابل گذشت امکان‌پذیر است؛ زیرا در جرائم قابل گذشت، اگر شاکی وجود نداشته پرونده به جریان نمی‌افتد و اگر گذشت کرده باشد، پرونده با صدور قرار موقوفی تعقیب، مختومه خواهد شد. خالقی، پیشین، ص ۹۹.

۴. حقوق بزه‌دیدگان در مرحله‌ی تحقیق؛

۴-۱. حق حفاظت از بزه‌دیده و خانوادگی وی؛

تأمین امنیت که باید منجر به کاهش نگرانی‌های بزه‌دیدگان گردد از طریق حمایت از هویت بزه‌دیده و حفاظت فیزیکی محقق می‌شود (باقری نژاد، ۱۳۹۴: ۳۲۸). این حمایت‌ها به‌ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا در بدو تعقیب کیفری، بزه‌دیده و تعرض به تمامیت جسمانی او می‌تواند شروع یا ادامه‌ی جریان دادرسی را با مشکل مواجه سازد (آشوری، خدادادی، ۱۳۹۰: ۱۹-۲۴). در دیوان، تأمین اقدامات حفاظتی و امنیتی مناسب و ایجاد طرح‌های حمایتی کوتاه‌مدت و بلندمدت برای حفاظت از بزه‌دیدگان، در وهله اول؛ ضمن مشورت با وکلای مدافع آنان و در مرحله دوم، با در نظر گرفتن نیازها و شرایط خاص، برای هرکس که احساس شود در خطر است، لحاظ می‌گردد.^۱ به تدابیر گسترده‌ی حفاظتی از بزه‌دیدگان در تمام مراحل کراراً در مقررات دیوان اشاره شده است.^۲ اتخاذ تدابیری مانند استفاده از نام‌های مستعار و مشارکت بزه‌دیده از طریق ویدئو کنفرانس در همین راستا صورت گرفته است (آشوری؛ خدادادی، ۱۳۹۰: ۲۰). مواد ۸۷ و ۸۸ آیین دادرسی و ادله دیوان، دو قاعده‌ی اساسی در رژیم حفاظتی دیوان هستند که اختصاصاً به بحث حفاظت از بزه‌دیدگان و شهود می‌پردازند. این مواد، اساساً از بند ۱ ماده ۶۸ و بند ۲ ماده ۶۹ اساسنامه‌ی رم نشئت گرفته‌اند (Brady, 2001: 435). در بند ۵ ماده ۶۸ اساسنامه، تصریح شده است که چنانچه افشای مدارک یا اطلاعات، شاهد یا خانواده او را در معرض خطر شدید قرار دهد، دادستان می‌تواند تا جایی که این امر منافی با حقوق متهم نباشد به ارائه‌ی خلاصه‌ای از آن اکتفا نماید. در این زمینه، هرچند اساسنامه راجع به بزه‌دیده و خانوادگی وی ساکت است، اما به نظر می‌رسد منعی در جهت تعمیم

۱. آیین دادرسی و ادله. ماده ۱۷(۲)

۲. اساسنامه دیوان. مواد ۶۴ و ۶۸.

آن به ایشان نداشته باشیم. در همین راستا، بند ۱ ماده ۸۸ آیین‌نامه‌ی دبیرخانه دیوان نیز تأکید کرده است که باید از اطلاعات مربوط به خانواده‌ی بزه‌دیدگان که ممکن است در معرض خطر باشند، محافظت شود. ماده ۹۷ ق.آ.د.ک، بازپرس را موظف نموده که به منظور حمایت از بزه‌دیده و خانواده‌ی وی در برابر تهدیدها، در صورت ضرورت، انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطان دستور دهد.^۱ سیاق این عبارات حاکی از این است که اعمال این حق منوط به بروز تهدید است؛ لذا بهتر بود تدوین کنندگان برای جلوگیری از برداشت‌های متعارض، به «تهدیدهای بالقوه و احتمالی» نیز تصریح می‌نمودند. ماده ۲۳۸ ق.آ.د.ک، صدور قرار بازداشت موقت را در برخی موارد، منوط به وجود شرایطی نموده است. یکی از این شرایط که در بند (پ) آمده، عبارت است از اینکه؛ آزاد بودن متهم موجب به خطر افتادن جان شاکی یا خانواده او باشد.

۴-۲. حق مشارکت در تحقیقات و ارائه‌ی ادله؛

بزه‌دیده بهترین شخصی است که با ارائه‌ی اطلاعات و جزئیات از زوایای رویداد مجرمانه، می‌تواند مقامات تحقیق را در کشف حقیقت و درک صحیح از چگونگی رخدادها یاری نماید. اظهارنظر بزه‌دیده راجع به آثار جرم بر خود^۲ و نیز حکم محکومیت و آنچه که بزه‌کار را مستحق اعمال آن می‌داند،^۳ از حقوق بزه‌دیده محسوب می‌شود. بزه‌دیدگان به منظور مشارکت در دیوان، باید فرم‌های درخواست را که از طریق سایت دیوان، قابل دسترس است، تنظیم نمایند. یکی از حقوق‌دانانی که نمایندگی بزه‌دیدگان در وضعیت دارفور را بر عهده داشت، گفته است که تکمیل درخواست از سوی بزه‌دیدگان، دانش حقوقی بسیار زیادی را می‌طلبد و لذا انجام آن توسط اشخاص غیرمتخصص مقدور نیست (War crime's research office, 2009: 13). مقررات

۱. از وحدت ملاکات این ماده با مواد ۶۲ و ۵۶۰ ق.آ.د.ک ممنوعیت تحمیل هزینه‌های این اقدامات به افراد مورد حمایت، استنباط می‌شود.

2. Victim impact statement
3. Victim allocution

موضوعه دیوان در خصوص مشارکت بزه‌دیدگان، کلی است و این امر؛ قضاوت را قادر می‌سازد تا رویکرد موسعی در این راستا اتخاذ نمایند (رضوی فرد، ۱۳۹۰: ۱۹۵). تاکنون دادستانی، شعب مقدماتی، شعب دادگاه و حتی شعبه تجدیدنظر، اقدام به تصمیم‌گیری در زمینه‌ی مشارکت بزه‌دیدگان نموده‌اند که در این میان بحث مشارکت در تحقیقات؛ به‌ویژه تحقیق در یک وضعیت، بیشترین چالش‌ها و اختلاف‌نظرها را به خود اختصاص داده است. در «وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو» نماینده دادستان معتقد بود که مشارکت بزه‌دیدگان در مرحله‌ی تحقیقات، مغایر حقوق متهم و دادرسی عادلانه است.^۱ دادستان برخلاف شعبه‌ی مقدماتی، اصرار دارد که شخص یا اشخاص، زمانی به‌عنوان بزه‌دیده جهت مشارکت در مرحله‌ی تحقیقات یک «وضعیت» تلقی می‌شوند که شرایط قاعده ۸۵ آیین دادرسی و ادله و ماده (۳) ۶۸ را به‌طور توأمان دارا باشد. دادستان مدعی است که اجازه‌ی مشارکت به‌طور کلی (بلافاصله) در سطح «وضعیت»، هیچ مبنایی در اساسنامه ندارد و در این راستا استدلال می‌کند که احراز شرایطی از قبیل این که آیا یک بزه‌دیده، منافع شخصی^۲ در یک وضعیت را دارا است و نیز این که آیا این منافع شخصی در معرض تعرض قرار گرفته یا نه، مستلزم رسیدگی قضایی است و از آنجا که در مرحله‌ی تحقیق یک وضعیت در دادرسی، رسیدگی قضایی و نیز قضاوتی صورت نمی‌گیرد، لذا مشارکت بزه‌دیده در این مرحله پذیرفته نیست. در مقابل، شعبه مقدماتی استدلال‌های دادستان را پذیرفته که ذیلاً به برخی از آن‌ها اشاره شده است:

علی القاعده، ترجمه و تفسیر واژه "procedure" در متن فرانسوی و واژه "proceeding" در متن انگلیسی ماده (۳) ۶۸ اساسنامه، شامل مرحله‌ی تحقیق یک وضعیت نیز شده و بدین ترتیب به‌طور کلی به بزه‌دیدگان حق دستیابی به دیوان در این مرحله داده شده است.^۳ قاضی رنه بلتمن^۴

1. Op.cit. p. 345

2. Personal interest

3. See: No. ICC- 01/04/101- ten-corr, pre- trial chamber1, 17 January 2006, par 46.

4. Rene blattman

اظهار داشته است که: «مشارکت بزه‌دیدگان یک امتیاز اعطایی از سوی قضات نیست بلکه حقی است که اساسنامه برای بزه‌دیدگان به رسمیت شناخته است»^۱. در جای دیگر شعبه استدلال نموده است که اعطای [حق مشارکت بزه‌دیدگان] در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی، در استانداردهای بین‌المللی شناسایی شده در ارتباط با حقوق متهم و محاکمه عادلانه و بی‌طرفانه، نه الزام شده است و نه منع؛^۲ به‌علاوه مشارکت بزه‌دیدگان در مرحله‌ی تحقیق، به‌خودی‌خود^۳ نه صحت و بی‌طرفی تحقیقات را به مخاطره می‌اندازد و نه با کارآمدی و وثاقت رسیدگی‌ها، ناسازگار است،^۴ اما در ۱۹ دسامبر ۲۰۰۸، شعبه‌ی تجدیدنظر، رأی شعبه‌ی مقدماتی را نقض نمود و این‌گونه حکم داد که «تحقیق» یکی از مراحل رسیدگی مورد اشاره در ماده (۳) ۶۸ محسوب نمی‌گردد.^۵ اجازه مشارکت به بزه‌دیدگان در بررسی و ارزیابی اولیه‌ی وضعیت ارجاعی از سوی دول عضو و نیز بر طبق اختیار انحصاری دادستان، برخلاف اساسنامه دیوان قلمداد می‌گردد.^۶ طبق تشخیص شعبه تجدیدنظر، حقوق مندرج در ماده (۳) ۶۸ منحصر به مراحل دادرسی نزد دیوان بوده و لذا شعبه مقدماتی، به‌غلط، این حقوق محدود را تعمیم بخشیده و شامل «تحقیقات» نیز دانسته است.^۷ شعبه پژوهشی تشریح نمود که مانعی برای حضور و مشارکت بزه‌دیدگان در رسیدگی‌های قضایی نظیر رسیدگی‌هایی که در تحقیقاتش منافع و مصالح شخصی بزه‌دیده مورد تعرض قرار گرفته باشد،

1. prosecutor V. Thomas LubangaDyilo, separate and dissenting opinion of judge, Rene Blattman to decision on victim's participation, ICC- 01 / 04-01/ 06-1119, 18 January 2008, para. 13.

2. NO. ICC- 01/ 04- 01/ 07 – 747, pre- trial chamber 1(single judge), 13 May 2008. Par. 72

3. Per se

4. See: No. ICC- 01/04/101- ten-corr, pre- trial chamber1, 17 January 2006, par 57.

5. Situation in the democratic republic of Congo, Judgment on victim participation in the investigation stage of the proceedings in the appeal of the OPCD against the decision of pre- trial chamber I of 7 December 2007 and in the appeals of the OPCD and the prosecutor against the decision of pre- trial chamber I of 24 December 2007, situation NO. ICC- 01/ 04 OA4 OA5 OA6 (appeals chamber, December 19 ,2008) at par. 45.

6. Ibid at: paras 51, 54.

7. Ibid at paras 55, 56.

وجود ندارد.^۱ این موضع، در وضعیت دارفور نیز توسط شعبه‌ی تجدیدنظر تأیید شد.^۲ اساسنامه‌ی دیوان آنجا که دادستان با احراز وجود زمینه‌های کافی جهت پرداخت به تحقیق، از شعبه مقدماتی درخواست اخذ مجوز می‌نماید به بزه‌دیدگان اجازه داده است که در شعبه طرح شکایت نمایند.^۳ در دادرسی دیوان، واحد بزه‌دیدگان و شهود مکلف به مساعدت به بزه‌دیدگان به منظور شرکت آنان در مراحل مختلف رسیدگی می‌باشد.^۴ درباره‌ی ارائه‌ی ادله، شعبه دیوان در عمل در پرونده-ی «بمبا»^۵ به بزه‌دیدگان اجازه‌ی ارائه‌ی ادله به منظور اثبات مجرمیت متهم مزبور را اعطاء نمود،^۶ اما در حقوق ایران، پس از آن که متهم تحت تعقیب قرار گرفت، بر اساس ماده ۱۵ ق.آ.د.ک، زیان‌دیده از جرم می‌تواند تصویر یا رونوشت مصدق تمام ادله و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده‌ی به مرجع تعقیب تسلیم کند. همچنین طبق ماده ۱۰۰ این قانون، شاکی می‌تواند در هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی و ادله‌ی خود را ارائه کند و در تحقیقات حضور داشته باشد. ماده ۱۲۳ ق.آ.د.ک نیز امکان درخواست به انجام تحقیقات محلی از بازپرس را به بزه-دیده‌ی شاکی داده است. باوجوداین به نظر نمی‌رسد که بازپرس، مکلف به پذیرش این‌گونه

1. Ibid at para. 56.

2. situation in Darfur, judgment on victim participation in the investigation stage of the proceedings in the appeal of the OPCD against the decision of pre-trial chamber I of 3 December 2008 and in the appeals of the OPCD and the prosecutor against the decision of pre-trial chamber I of 6 December 2007, situation NO. ICC-02/05 OA OA2 OA3 (appeals chamber) which directly cites the 19 December 2008 decision of the appeals chamber.

۳. اساسنامه رم، ماده (۳) ۱۵

۴. آیین دادرسی و ادله ماده ۱۶ (C)

5. Bemba

6. ICC, Prosecutor v Bemba, Decision (i) Ruling on Legal Representatives' Applications to Question Witness 33 and (ii) Setting a Schedule for the Filing of Submissions in Relation to Future Applications to Question Witnesses, ICC-01/05-01/08-1729, 9 September 2011; cf. ICC, Prosecutor v Katanga and Chui, Applications for the Conduct of the Proceedings and Testimony in Accordance with Rule 140, ICC-01/04-01/07-1665, 20 November 2009, paras.90-91.

درخواست‌ها باشد (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۲۶). بدیهی است که در مقام مقایسه؛ دیوان، حقوق ناچیزی را برای بزه‌دیده در این مرحله قائل شده است. علاوه بر این، در همین موارد اندک نیز مقررات دیوان، جنبه ارشادی دارد؛ نه تکلیفی. به موجب ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک، دادسرا صرفاً در «جرائم قابل گذشت» آن‌هم «در صورت امکان» می‌تواند تحقیق از متهم و شاکی را به صورت توافقی برگزار نماید و در سایر موارد، تحقیق غیرعلنی و انفرادی به عمل می‌آید. بازپرس به موجب ماده ۲۰۴ ق.آ.د.ک با معرفی شاکی، شخصی که حضور یا تحقیق از وی را برای روشن شدن موضوع، ضروری تشخیص دهد؛ برابر مقررات احضار می‌کند. در ماده ۱۵۹ ق.آ.د.ک سابق، شاهد اگر بار اول حضور پیدا نکند، برای بار دوم احضار می‌شود و اگر عذرش موجه نبود برای بار سوم جلب می‌گردد، اما طبق ق.آ.د.ک به نظر می‌رسد به منظور جلوگیری از اطاله‌ی دادرسی، اگر شاهد بار اول حاضر نشود و عذر موجهی که مورد پذیرش بازپرس باشد، نداشته باشد برای بار دوم جلب خواهد شد.

۳-۴. حق اطلاع از محتویات پرونده؛

آگاه کردن بزه‌دیده از تحولات پرونده، بدون لزوم به مراجعه‌ی حضوری؛ موجب افزایش تمایل وی در کمک و همراهی در فرآیند رسیدگی می‌شود (آشوری؛ خدادادی، ۱۳۹۰: ۱۷). برخی از نظام‌های حقوقی، افرادی را مسئول اطلاع‌رسانی به بزه‌دیدگان قرار می‌دهند (بهرزیه، ۱۳۹۰). دیوان از طریق واحد شهود و بزه‌دیدگان، مکلف است به نمایندگان بزه‌دیدگان، اطلاعات کافی و تسهیلات ضروری در اجرای مستقیم وظایفشان را ارائه نماید.^۱ به موجب ماده ۱۰۰ ق.آ.د.ک، شاکی می‌تواند در هنگام تحقیقات، صورت‌مجلس تحقیقات مقدماتی یا سایر اوراق پرونده را که با ضرورت کشف حقیقت منافات ندارد، مطالعه کند و با هزینه‌ی خود از آن‌ها تصویر یا رونوشت بگیرد. در صورت درخواست شاکی، چنانچه بازپرس مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی

۱. آیین دادرسی و ادله ماده ۱۶ (b)

از اوراق پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بدانند، با ذکر دلیل، قرار رد درخواست را صادر می‌کند این قرار، حضوری به شاکی ابلاغ و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. این ماده نسبت به ماده ۷۳ ق.آ.د.ک گامی روبه جلو محسوب می‌شود؛ نخست آن که طبق ق.آ.د.ک، موضوع درخواست شاکی منحصر به «صورت مجلس تحقیقات مقدماتی» نبوده و شامل «سایر اوراق پرونده» نیز شده است؛ دوم، برخلاف ق.آ.د.ک سابق، در ق.آ.د.ک علاوه بر «رونوشت»، به «تصویر» هم اشاره شده است که با این وصف، این دیدگاه کارگزاران قضایی که عمدتاً قائل بودند، رونوشت به معنای رونویسی بوده و شامل روگرفت (فتوکی) نمی‌شود، دیگر نمی‌تواند مانعی برای اخذ روگرفت باشد؛ البته به کارگیری واژه‌ی «تصویر» که اعم از روگرفت محسوب می‌شود بهتر می‌تواند این حق بزه‌دیدگان و وکلای آنان را تضمین نماید؛ سوم این که در ق.آ.د.ک سابق، شرط «منافی با محرمانه بودن تحقیقات نباشد» جای خود را در ق.آ.د.ک به عبارت «با ضرورت کشف حقیقت منافات نداشته باشد» داده است که برخلاف عبارت ق.آ.د.ک سابق، این تعبیر جدید حقوقی، مناسب‌تر و به دور از ابهامات گسترده محسوب شده و مانعی برای اعمال سلايق شخصی، از سوی مقامات صالح قضایی قلمداد می‌گردد و سرانجام، از همه مهم‌تر این که طبق تبصره ۱ ماده ۷۳ ق.آ.د.ک، از این پس مقامات قضایی نمی‌توانند با یک دستور شفاهی ساده درخواست شاکی و وکلای او را رد نمایند؛ بلکه تصمیم مقام قضایی صرفاً باید به صورت «قرار» قابل اعتراض در دادگاه صادر شود.

۴-۴. حق برخورداری از وکیل و معاضدت حقوقی؛

حضور وکیل از جانب بزه‌دیده، همچون متهم؛ در فرآیند کیفری ضرورتی انکارناپذیر است؛ بنابراین، نباید هزینه‌های ناشی از پرداخت حق الوکاله؛ بزه‌دیده را در استفاده از چنین فرصتی دچار مشکل سازد (ابراهیمی، ۱۳۸۴: ۳۰۱). اساسنامه رم، اولین و تنهاترین مرجع در میان مراجع کیفری

بین‌المللی است که به بزه‌دیده این امکان را می‌دهد، نماینده‌ی قانونی^۱ داشته باشد. مساعدت بزه‌دیدگان در برخورداری از مشاور حقوقی و سازمان‌دهی نمایندگان قانونی آنان برعهده واحد بزه‌دیدگان و شهود در دیوان است.^۲ برای این منظور فهرستی از وکلا و مشاوران در اختیار بزه‌دیده قرار می‌گیرد؛ البته این امر مانع از انتخاب کسانی خارج از فهرست که واجد معیارهای تخصصی اعلام شده باشند، نمی‌گردد؛ علاوه بر این، برای کسانی که استطاعت مالی ندارند، امکان برخورداری رایگان از وکیل در نظر گرفته شده است،^۳ حتی مساعدت مالی مناسب در این خصوص هم می‌تواند برای بزه‌دیده لحاظ گردد.^۴ افزایش روزافزون ارائه‌ی درخواست‌های بزه‌دیدگان برای بهره‌مندی از مساعدت‌های حقوقی از طریق نمایندگی قانونی، نشان‌دهنده‌ی اعتماد آنان به این نهاد است. میزان کمک‌های مالی به نمایندگان قانونی بزه‌دیدگان در سال ۲۰۱۲ حدود ۴/۹ میلیون یورو بوده است.^۵

بر اساس ماده ۶۸ ق.آ.د.ک، شاکی یا مدعی خصوصی می‌تواند شخصاً یا توسط وکیل شکایت کند. اگرچه در ماده ۱۹۰ این قانون، در خصوص متهم، اشاره شده است که می‌تواند یک نفر وکیل دادگستری در مرحله تحقیقات مقدماتی به همراه خود داشته باشد و این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود، اما این قانون، در خصوص بزه‌دیده از حیث بهره‌مندی از این حق و تکلیف ضابطان یا کارگزاران قضایی به ابلاغ و تفهیم این حق تصریحی نداشته و به تبع ضمانت اجرایی نیز برای سلب این حق در نظر نگرفته است. حال آن‌که تبصره ۱ ماده ۱۹۰ اشعار داشته است که سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این

1. Legal Representative

۲. آیین دادرسی و ادله. ماده ۱۶(b)

۳. آیین دادرسی و ادله. ماده ۲۱

۴. آیین دادرسی و ادله. ماده ۹۰(۵)

5. Report of the Committee on Budget and Finance on the work of its twentieth session, ICC ASP/12/5/Rev.1, 7 June 2013, para.83.

حق به متهم [در مرحله تحقیقات مقدماتی] موجب بی اعتباری تحقیقات می شود. اگرچه تدوین کنندگان ق.آ.د.ک در یک اقدام ابتکاری، بهره مندی از وکیل تسخیری را توسط دادگاه در صورت احراز عدم تمکن، علاوه بر متهم برای شخص بزه دیده نیز در ماده ۳۴۷ در نظر گرفته اند، اما از این حیث که این حق محدود به مرحله رسیدگی بوده و شامل مرحله تحقیقات مقدماتی که شالوده و سرنوشت پرونده کیفری را شکل می دهد، نمی گردد، قابل انتقاد است. هر چند که وکالت تسخیری به لحاظ دلایلی که بر همگان مکشوف است، در عمل تا حدی جنبه صوری و نمادین به خود گرفته است.

۴-۵. حق درخواست صدور قرار تأمین خواسته و تضمین زیان وارده به بزه دیده؛ قرار تأمین خواسته یکی از سازوکارهای حمایتی از بزه دیده برای تضمین و تسهیل دستیابی وی به جبران خسارت است. قطعی و غیر قابل اعتراض بودن این قرار، چنین تضمینی را تقویت می کند (ابراهیمی، ۱۳۸۴: ۳۰۲). دیوان، مقررات بسیاری را به تأمین و جبران خسارات بزه دیدگان اختصاص داده است. در ارزیابی خسارات و شیوه های جبران، دیدگاه های بزه دیدگان در جلسه ای مستقل، استماع می شود.^۱ شعبه ی مقدماتی باید همکاری کشورها را در خصوص انجام اقدامات تأمینی به منظور ضبط اموال و به ویژه برای حفظ منافع آتی بزه دیدگان جلب نماید.^۲ «صندوق تأمین»^۳ که توسط مجمع کشورهای عضو اداره می شود برای حفظ منافع بزه دیدگان و خانواده های آنان؛ به ویژه در مواردی که به هر ترتیب، اخذ تأمین و جبران از سوی بزه کار امکان پذیر نباشد، اقدامات مناسب را معمول می نماید. در «لایحه ی حمایت از بزه دیدگان»^۴ تنظیمی از سوی قوه ی قضاییه به تشکیل صندوقی به نام «صندوق حمایت از بزه دیدگان» اشاره شده که تاکنون شکل

۱. اساسنامه دیوان. ماده ۷۵ و آیین دادرسی و ادله. مواد ۹۹-۹۴

۲. اساسنامه دیوان. ماده ۵۷ (e)

3. trust fund

۴. این لایحه از طریق پایگاه اینترنتی قوه قضاییه در نشانی زیر قابل دسترسی است:

قانون به خود نگرفته است. شاکی وفق ماده ۱۰۷ ق.آ.د.ک می‌تواند تأمین ضرر و زیان خود را از بازپرس بخواهد و چنانچه این تقاضا مبتنی بر ادله‌ی قابل قبول باشد، بازپرس قرار تأمین خواسته صادر می‌نماید. در ماده ۷۵ ق.آ.د.ک سابق آمده بود که قرار تأمین به محض ابلاغ به موقع اجرا گذاشته می‌شود؛ حال آنکه ماده ۱۰۹ ق.آ.د.ک در جهت حفظ و حمایت بیشتر حقوق بزه‌دیده تصریح نموده در مواردی که ابلاغ فوری ممکن نیست و تأخیر در اجرا موجب تضییع خواسته می‌شود، ابتدا قرار تأمین، اجرا و سپس ابلاغ می‌شود. علاوه بر این، ق.آ.د.ک سابق در ماده ۷۴ قرار تأمین را قطعی و غیرقابل اعتراض معرفی می‌کند، اما ق.آ.د.ک در ماده ۱۱۱ حق اعتراض اشخاص ثالث به دادگاه حقوقی را تصریحاً به رسمیت شناخته است. در ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک برخلاف ماده ۱۳۲ ق.آ.د.ک سابق به عنوان جهات صدور قرار تأمین در کنار سایر جهات به «تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی» نیز اشاره شده است و مضاف بر این، به لحاظ کمی نیز ق.آ.د.ک با دو برابر نمودن قرارها، تعداد این قرارها را به ۱۰ قرار توسعه داده است.

۴-۶. حق بزه‌دیده به محرمانه ماندن تحقیقات؛

مراحل گوناگون فرایند جنایی باید به گونه‌ای باشد که هراس بزه‌دیده را از تهدیدها و اقدامات تلافی‌جویانه متهم به پایین‌ترین سطح برساند و با حفاظت از زندگی خصوصی وی در او احساس امنیت ایجاد کند (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۵۸). دیوان دادستان را مسئول نگهداری، حفاظت و امنیت اطلاعات و ادله‌ی جمع‌آوری شده در جریان تحقیقات می‌داند.^۱ همچنین دیوان در انتشار اسناد، امانت‌داری و حفاظت امنیت بزه‌دیدگان را تضمین نموده است.^۲ دیوان در راستای جلوگیری از آشکارسازی هویت یا محل سکونت بزه‌دیده تدابیری چون، پاک کردن اطلاعات

۱. آیین دادرسی و ادله. ماده ۱۰

۲. آیین دادرسی و ادله. ماده ۴۳

از بایگانی، استفاده از اسم مستعار و غیر علنی بودن رسیدگی را می‌تواند اتخاذ نماید.^۱ در حقوق داخلی نیز، تحقیقات مقدماتی به شکل محرمانه صورت می‌گیرد، مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر کرده باشد. کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار هستند و در صورت تخلف، به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای محکوم می‌شوند (ماده ۹۱ ق.آ.د.ک). با عنایت به پذیرش انجام تحقیقات از طریق به کارگیری سامانه‌های ویدئوکنفرانس و ارتباطات الکترونیکی در ماده ۶۵۵ ق.آ.د.ک، توجه و تدابیر بیشتری برای حفظ محرمانگی تحقیقات باید لحاظ می‌گردد. نحوه‌ی ابلاغ اوراق قضایی از مباحثی است که ناقض حق محرمانگی و حفظ اسرار بزه‌دیدگان و متهمان است. اگرچه در ق.آ.د.ک در خصوص عدم قید علت احضار در احضاریه‌ها و آگهی‌های مربوط به جرایمی که حیثیت اجتماعی متهم [و نه بزه‌کار!!] عفت یا امنیت عمومی اقتضاء می‌کند و عدم استفاده مأموران ابلاغ از البسه‌ی رسمی، به ترتیب در تبصره‌های مواد ۱۷۰ و ۱۷۴ و ماده ۱۷۲ ق.آ.د.ک اشاراتی شده است اما از آنجا که عمدتاً و در عمل، اوراق به صورت باز و بدون لفاف و پوشش و بعضاً در نبود افراد به صورت الصاق یا انداختن در محل صورت می‌گیرد، موجبات نقض حقوق و رنجش بزه‌دیدگانه را فراهم می‌نماید. استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی نظیر پیام‌نگار (ایمیل) در ماده ۱۷۶ جهت ابلاغ بلامانع شناخته شده که با توجه به عدم الزام در این زمینه و نیز عدم بهره‌مندی و به کارگیری بسیاری از افراد از این سامانه‌ها، دست کم در آینده نزدیک نمی‌توان برای برون‌رفت از چالش‌های ابلاغ به این وسایل دل‌خوش بود. سرانجام، مقرر ماده ۱۷۶ که عنوان شده، قوه‌ی قضاییه می‌تواند ابلاغ اوراق قضایی را به بخش خصوصی واگذار کند را فی‌نفسه و بدون ملاحظه‌ی آیین‌نامه‌ای که بعداً به تصویب خواهد رسید و نیز تا زمانی که به محک‌اجرا درنیاید، نمی‌توان مورد ارزیابی دقیق قرارداد.

۱. آیین دادرسی و ادله. ماده ۸۷(۳)

۴-۷. تساوی سلاح‌ها^۱ و هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده با متهم؛

کوشش برای ایجاد برابری میان بزه‌دیده و بزه‌کار، دغدغه‌ای کلاسیک در نظریه دادگری ارسطو است. دادگری اصلاح‌گر^۲ در صدد ایجاد برابری‌ای است که پیش از عمل خطا کارانه میان بزه‌دیده و بزه‌کار وجود داشته است (فلچر، ۱۳۸۷: ۳۱۴ و ۳۱۵). بزه‌کار و بزه‌دیده به‌عنوان کنشگران اصلی جرم محسوب می‌شوند و با ابتدای بر اصل «تساوی سلاح‌ها»، حمایت از بزه‌دیده نباید حقوق مسلم و بنیادین و تضمینات اساسی برای متهم و بزه‌کار را مخدوش نماید. لذا طرفین باید بتوانند فرصت و امکانات مناسب به‌منظور دسترسی به عدالت را داشته باشند. طبق اصل یادشده، همه‌ی اشخاص باید بدون تبعیض، حق دسترسی یکسان به دادگاه داشته باشند (باقری نژاد، ۱۳۹۴: ۲۸۵). هم‌ترازی حق‌ها یک‌هنگام راهبردی کلی حقوق بشری است که شناسایی و احقاق حق‌های بزه‌دیده و متهم در دادرسی دادگرانه را با یکدیگر سازش می‌دهد. هدف دادگری جنایی بر پایه‌ی این اصل هم‌ترازی، عبارت است از شناسایی و فراهم کردن زمینه‌ی احقاق هم‌تراز حق‌های دو بازیگر فرآیند جنایی، یعنی؛ متهم و بزه‌دیده (رایجیان اصلی، ۱۳۹۳: ۱۴۵). در همین راستا، دیوان به‌منظور تساوی سلاح‌ها، تلاش نموده است تا حق بزه‌دیده راجع به ارائه‌ی دلیل را از طریق نقش دادستان و وکیل مدافع، محدود کند (Jackson, 2003: 309-326)^۳ و در جهت نیل به دادرسی بی‌طرفانه و منصفانه، تلاش شده که اصل هم‌ترازی میان بزه‌دیده و متهم مراعات گردد.^۴ با وجود این، دستیابی به توازن درخور میان بزه‌دیده و متهم، یکی از چالش‌های اصلی فراروی دیوان در آینده است (2015:

1. Equality of Arms

2. Corrective justice

3. ECtHR, *Berger v France*, Judgment, App. No. 48221/99, 21 May 2003, para.38.

۴. اساسنامه دیوان. ماده ۶۸

(Mariniello, 11).^۱ ماده ۹۳ ق.آ.د.ک به بازپرس تکلیف نموده که در کمال بی طرفی و در حدود اختیارات قانونی، تحقیقات را انجام داده و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است، تبعیضی قائل نشود. حق اشاره شده در این بند، از حقوقی است که هم در رویه‌ی نظام‌های کیفری داخلی و هم بین‌المللی با نارسایی‌های بسیار مواجه است. بدیهی است تا زمانی که استانداردهای هم‌ترازی و سازوکارهای مقابله با تخطی از آن؛ به‌طور شفاف، جزئی، کاربردی و به دور از کلی‌گویی تبیین نشود، نمی‌توان در این زمینه، انتظار پیشرفت داشت.

۴-۸. حق برخورداری از مترجم و کارشناس؛

اساسنامه‌ی دیوان در پاراگراف ۱ ماده ۶۷، برای متهم حق برخورداری از مترجم رایگان را در نظر گرفته است، اما برای بزه‌دیده، به‌روشنی به چنین حقی اشاره نشده است. با وجود این، دیوان به‌طور کلی خود را متعهد به فراهم نمودن خدمات ترجمه‌ای کتبی و شفاهی لازم برای همگان می‌داند.^۲ ماده ۲۰۱ ق.آ.د.ک، بازپرس را موظف نموده است که برای شاکیانی که ناشناخته بوده یا قدرت تکلم ندارند، افراد مورد وثوقی را به‌عنوان مترجم انتخاب نماید. در ماده ۳۶۷ ق.آ.د.ک نیز به دادگاه این اجازه داده شده است که برای شاکی که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم انتخاب نماید. البته این ماده در ذیل بخش رسیدگی و صدور حکم آمده است و در مورد مرحله تحقیقات قبل دادگاه، ق.آ.د.ک تصریحی ندارد. به نظر می‌رسد که بروز چنین موارد و اشکالاتی بیشتر ناشی از این است که تدوین‌کنندگان قانون آ.د.ک، فصلی مجزا به حقوق بزه‌دیده اختصاص نداده‌اند.

۱. در پاره‌ای موارد، موازنه میان حق‌های بزه‌دیده و متهم از حیث نظری و به‌ویژه از حیث کاربردی مشکل است. در مقررات دیوان راجع به حقوق بزه‌دیده این عبارت را که: «تا جایی که منافعی با حقوق متهم نباشد» مکرر شاهد هستیم. نکته اساسی در تعیین حدود و ثغور حق‌های بزه‌دیده و متهم است.

۲. آیین دادرسی و ادله. ماده ۴۲

۴-۹. حق برخورداری از حمایت‌های پزشکی و روانی؛

برخلاف دیوان، متأسفانه ق.آ.د.ک صرفاً در بخش اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی در مواد ۴۸۶ و ۴۸۷ بحث از ایجاد تشکیلاتی تحت عنوان «مددکاری اجتماعی» به میان آورده که صرفاً ناظر به متهم بوده و ارتباطی به بزه‌دیده ندارد؛ حال آنکه دیوان خود را موظف به مساعدت جهت مراقبت‌های پزشکی، روانی و دیگر کمک‌های مناسب دانسته و واحد بزه-دیدگان و شهود را نیز مکلف به فراهم‌سازی زمینه آموزش به اعضای دیوان در خصوص مسائل مربوط به صدمات روحی، خشونت جنسی، امنیت و رازداری نموده است.^۱ دیوان همچنین باید کارشناسانی را در واحد بزه‌دیدگان در زمینه‌ی جنبه‌های روان‌شناختی، مشاوره‌ی اجتماعی، مراقبت‌های بهداشتی با لحاظ شرایط کودکان، زنان، سالمندان و معلولان به کارگیرد.^۲ بدیهی است که دیوان باید با مدیریت انتظارات^۳ بزه‌دیدگان به گونه‌ای عمل نماید که توقعات فرا واقعی در اذهان آنان ایجاد نشود، به گونه‌ای که چنانچه انتظاراتشان برآورده نشد، دچار سرخوردگی نگردند (Funk, 2015: 124).

۵. برآمد؛

در اواخر جنگ جهانی دوم و بلافاصله بعد از آن به تدریج شاهد تولد دانش «بزه‌دیده‌شناسی» هستیم. از این زمان به بعد بود که حقوق بزه‌دیدگان، کانون توجه جرم‌شناسی و سیاست جنایی قرار گرفت. علی‌رغم نوآوری‌های بسیار ق.آ.د.ک در زمینه بزه‌دیدگان، در مقایسه با مقررات دیوان، نارسایی‌های در این زمینه در ق.آ.د.ک به چشم می‌خورد که عدم شناسایی صریح اشخاص حقوقی به‌عنوان بزه‌دیده، عدم اتخاذ تدابیر مناسب در زمینه برخورداری از حق داشتن وکیل تسخیری در مرحله تحقیقات، عدم بهره‌مندی بزه‌دیده از مراقبت‌ها و حمایت‌های پزشکی

۱. آیین دادرسی و ادله. ماده ۱۷(۲)

۲. آیین دادرسی و ادله. ماده ۱۹

و روانی مناسب، لحاظ نکردن تدابیر حفاظتی بایسته از بزه‌دیده و خانواده‌ی وی؛ به‌ویژه در قبال تهدیدهای احتمالی، وجود مشکلات ناشی از ابلاغات باز و بدون لفاف در جهت مکتوم ماندن هویت و اسرار کنشگران دعاوی کیفری، از زمره‌ی این موارد محسوب می‌گردد. اگرچه تدوین‌کنندگان ق.آ.د.ک به حقوق و حمایت‌هایی بدون سابقه‌ی قبلی اشاره نموده‌اند که این خود موجب شده است که در مجموع این قانون، گامی روبه‌جلو قلمداد گردد، اما در نظر نگرفتن ضمانت اجراهای بایسته برای نادیده گرفتن حقوق بزه‌دیدگان؛ همچون لغو و ابطال اقدامات و تصمیمات اتخاذی، علاوه بر ضمانت اجراهای پیش‌بینی‌شده برای تخلفات کارگزاران عدالت کیفری که در بردارنده‌ی مصالح و منافع بزه‌دیده هم باشد و سرانجام، فقدان پیش‌بینی «صندوق حمایت از بزه‌دیدگان» به شکلی که در لایحه‌ی حمایت از بزه‌دیدگان قوه‌ی قضاییه و مقررات دیوان در نظر گرفته شده است، از دیگر نقاط ضعف ق.آ.د.ک محسوب می‌شود. شایان‌ذکر است که پاره‌ای از مشکلات ق.آ.د.ک در این رابطه، ناشی از پراکندگی و عدم وجود فصلی مجزا راجع به حقوق و حمایت‌های بزه‌دیدگان است، اما عمده‌ترین چالش و مشکلی که دیوان در بیش از یک دهه‌ای که از اشتغال به کار آن می‌گذرد در این باره با آن مواجه بوده است، عدم ثبات و انسجام عملکرد دیوان در راستای مشارکت بزه‌دیدگان؛ به‌ویژه در مراحل تعقیب و تحقیق است. علاوه بر این، حضور و مشارکت نامنظم و بدون بهره‌مندی از ارشاد و معاضدت درست و کافی؛ در مجموع، تاکنون مشارکتی تقریباً، نمادین را برای بزه‌دیده، جلوه گر بوده است.

با عنایت به اینکه ق.آ.د.ک به تأسی از مطالعات تطبیقی و در موارد خاص، حق اعلام جرم و مشارکت در رسیدگی را برای سازمان‌های مردم‌نهاد مورد پذیرش قرار داده است، پیشنهاد می‌گردد برای جلوگیری از نظری و نمایشی تلقی شدن این موضوع و هم در خصوص به رسمیت شناختن بزه‌دیدگان غیرمستقیم و شفاف‌سازی ضرر و زیان‌های قابل مطالبه؛ از طریق تدابیر آیین‌نامه‌ای، سازوکارهایی شفاف عملی ارائه شود. در راستای حفظ هویت و اسرار بزه‌دیدگان، برگزاری دوره‌های آموزشی منظم برای کارکنان و اخذ تعهدات و تضمینات لازم از آنان،

اطمینان بخشی به بزه‌دیدگان راجع به مکتوم ماندن هویت و محتویات پرونده‌ها و امنیت سامانه‌های رایانه‌ای، تغییر در رویه‌ی نادرست ابلاغات باز (بدون لفاف) ضروری است. با توجه به اهمیت و نو بودن مقررات ق.آ.د.ک درباره بزه‌دیدگان باید با استفاده از تجارب دیوان، آگاه‌سازی عمومی راجع به حق‌های بزه‌دیدگان از طریق رسانه‌های صوتی و تصویری، مطبوعات، بروشورها و پایگاه‌های اینترنتی توسعه یابد. مهم‌تر اینکه باید با بازنگری در برخی ضمانت‌اجراهای نقض حق‌های بزه‌دیده، تدابیری نظیر «بطلان اقدامات» را در کنار جرم و تخلف شناخته شدن این نقض‌ها مدنظر قرار داد. در پایان، ضرورت دارد هم در دکتین حقوق کیفری و هم در اقدامات تقنینی و نیز در رویه‌ی قضایی، استانداردها و سازوکارهای بایسته به‌منظور ایجاد هم‌ترازی میان حق‌های بزه‌دیده و متهم، تبیین گردد.

منابع:

فارسی

- آخوندی، محمود (۱۳۸۷)، *آیین دادرسی کیفری*، ج ۶، تهران: چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد.
- آخوندی، محمود (۱۳۹۳)، *شناسای آیین دادرسی کیفری*، دفتر اول: کلیات و دعاوی ناشی از جرم، تهران، دور اندیشان.
- آخوندی، محمود (۱۳۹۴)، *شناسای آیین دادرسی کیفری*، دفتر دوم، تهران، دور اندیشان، چاپ چهاردهم.
- آشوری، محمد؛ خدادادی، ابوالقاسم (۱۳۹۰)، «حقوق بنیادین بزه دیده در فرآیند آیین دادرسی کیفری»، *مجله آموزه‌های حقوق کیفری*، شماره ۲.
- ابراهیمی، پیمان (۱۳۸۴)، «بزه دیده به منزله شاکی و حقوق او در مقررات دادرسی کیفری ایران»، *مجله حقوقی دادگستری*، ش ۵۲ و ۵۳: صص ۳۲۵-۲۸۷.
- باقری نژاد، زینب (۱۳۹۴)، *اصول آیین دادرسی کیفری*، تهران: خرسندی.
- بوریگان، ژاک (۱۳۸۱)، «اطفال بزه دیده و بزهدار در حقوق فرانسه». ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. *مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، سال دوم، شماره ۲، صص ۲۰۴-۱۸۵.
- تاورنیه، پل (۱۳۷۴)، «دادگاه جزایی بین‌المللی: تحولات اخیر»، ترجمه ابراهیم بیگ زاده، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۶ و ۱۷، صص ۵۲۳-۵۱۰.
- خالقی، علی (۱۳۸۹)، *آیین دادرسی کیفری*، چاپ چهارم، تهران: شهر دانش.
- خالقی، علی (۱۳۹۴)، «نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری»، چاپ چهارم، تهران: شهر دانش.

- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۳)، «بازاندیشی دادرسی دادگراانه در پرتو اصل هم ترازوی حق های بزه دیده و متهم»، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۷، صص ۱۴۸-۱۳۱.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰)، «بزه‌دیده‌شناسی حمایتی»، چاپ دوم، تهران: دادگستر.
- رضوی فرد، بهزاد؛ فقیه محمدی، حسن (۱۳۹۰)، «تکامل حقوق بزه‌دیدگان از منظر مقررات موضوعه دیوان کیفری بین‌المللی»، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی ریاست جمهوری. سال ۲۸، شماره ۴۵، صص ۲۳۳-۱۹۵.
- ساقیان، محمد مهدی (۱۳۹۳)، «تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری ۹۲»، فصلنامه‌ی پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۶، صص ۱۳۶-۱۱۳.
- شیر، عباس (۱۳۸۵)، «پارادایم‌های عدالت کیفری: عدالت سزادهنده و عدالت ترمیمی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۴، صص ۲۴۵-۲۳۱.
- غلامی، حسین؛ رستمی غازانی (۱۳۹۲)، «زمینه‌های عدالت ترمیمی در اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۴، صص ۶۴-۳۳.
- فلچر، جرج (۱۳۸۷)، «جایگاه بزه دیدگان در نظریه سزادهی»، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۲ و ۶۳، صص ۳۲۰-۳۰۳.
- گر کاو، سام (۱۳۹۲)، «بزه‌دیدگان در دادگاه کیفری بین‌المللی»، ترجمه حیدر فرهمندفر، مجله تعالی حقوقی، شماره ۳، ۴۰-۳۴.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۶)، «رویکرد جرم شناختی به قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی»، مجله تعالی حقوق، سال دوم، ش ۱۳ و ۱۴.
- نیاز پور، امیر حسن (۱۳۹۱)، «نقش بزه‌دیده در چگونگی پاسخ‌دهی به بزه‌کاران»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۷، صص ۳۸۴-۳۴۷.

منابع انگلیسی؛

- Brady, Helen, "Protective and Special Measures for Victims and Witnesses", Transnational Publication, pp. 447-450.
- Cohen, Miriam (2007), "Victims' participation rights within the international criminal court: a critical overview". Miriam Cohen, Denver Journal of International Law and Policy. No. 37, Pp. 351-377.
- Funk, Markus (2015), *Victims' Rights and Advocacy at the International Criminal Court*, Oxford: Oxford University Press, Second edition.
- Frindlay, Mark; McLean, Clare (2007). "Emerging International Criminal Justice", Current Issues in Criminal Justice. Vol. 18, No. 3, PP. 457-480
- Jackson, J. D. (2003). "Justice for All: Putting Victims at the Heart of Criminal Justice?", Journal of Law and Society, Vol. 30(2), pp. 309-326; and ECtHR, Berger v France, Judgment, App. No. 48221/99, 21 May 2003, para.38.
- ICC, Prosecutor v Bemba, Decision (i) Ruling on Legal Representatives' Applications to Question Witness 33 and (ii) Setting a Schedule for the Filing of Submissions in Relation to Future Applications to Question Witnesses, ICC-01/05-01/08-1729, 9 September 2011; cf. ICC, Prosecutor v Katanga and Chui, Applications for the Conduct of the Proceedings and Testimony in Accordance with Rule 140, ICC-01/04-01/07-1665, 20 November 2009, paras.90-91.
- Mariniello, Triestino (2015), *The International Criminal Court in Search of Its Purpose and Identity*, New York, Routledge.
- Moffett, Luke (2014), *Justice for Victims Before the International Criminal Court*, New York, Routledge.
- Mouthaan, Solange (2013), "victim participation at the ICC for victims of gender- based crimes: a conflict of interest". 21 Cardozo Journal of International & Comparative Law, pp. 619- 651.
- Ochoa, Juan Carlos (2013), *The Rights of Victims in Criminal Justice Proceedings for Serious Human Rights Violations*, Martinus Nijhoff Publishers, Volume 12.
- War crime's research office (2009), "Victim participation at the case stage of proceedings. International criminal court, legal analysis and education project", American university, Washington College of law. P. 13.